

۱۶۳۴۵۰

به نام خدا

سکوت عبوس

پرسی بن مایه‌های غزل‌های حسین منزوی

نویسنده

عباس غلامی لیاولی (پارسی)



سرشناسه : غلامی لیاولی، عباس، ۱۳۵۹ -
 عنوان و نام پدیدآور : سکوت عبوس / نویسنده عباس غلامی لیاولی (پارسی)
 مشخصات نشر : تهران: پادینا
 مشخصات ظاهری : ۳۶۰ ص
 شابک : 978-622-6161-21-3
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 موضوع : ادبیات
 موضوع : حسین منزوی
 رده بندی کنگره : PIR۸۲۳۳ / ۴۴ ی ۱۳۹۷
 رده بندی دیویی : ۸۶۱/۶۲
 شماره کتابشناسی ملی : ۵۳۹۸۸۶۵



سکوت عبوس

بررسی بن مایه‌های غزل‌های حسین منزوی

نویسنده عباس غلامی لیاولی (پارسی)

شابک: ۹۷۸-۶۱۶۱-۲۲-۳

انتشارات پادینا

شمارگان: ۵۰۰ جلد نوبت چاپ: تهران، اول، ۱۳۹۷

صفحه‌آرایی و طراحی جلد: انتشارات پادینا

چاپ و صحافی: چاپ و نشر پادینا

قیمت: ۴۰۰۰۰۰ ریال

همراه: ۰۹۰۲۵۰۸۸۳۸۱

padina.pub@gmail.com

تلفن: ۷۷۴۲۱۷۵۷ (۰۲۱)

www.padinapub.com

فهرست مطالب

۱۱	پیش‌گفتار
۱۵	فصل اول: تأملی در ماهیت ادبیات، شعر و غزل
۱۷	ادبیات چیست؟
۲۲	غزل چیست؟
۲۷	فصل دوم: بن‌مایه چیست؟
۳۱	فصل سوم: بررسی و نقد چیستند؟
۳۷	فصل چهارم: شرح حال و معرفی آثار منزوی
۴۳	فصل پنجم: بررسی بن‌مایه در سرعمودی غزل‌ها
۴۵	بخش یکم: عشق و عاشقانه‌ها
۴۹	بخش دوم: اجتماعیات
۵۲	بخش سوم: سوگ سروده‌ها
۵۴	بخش چهارم: عصیان‌یات
۵۷	بخش پنجم: زن
۵۸	بخش ششم: مولانا و آره‌ها
۶۲	بخش هفتم: حدیث نفس
۶۴	بخش هشتم: موارد دیگر
۶۵	پی‌نوشت‌ها
۶۷	فصل ششم: خداوند یکتا، شیطان و جهان‌های نامحسوس
۶۹	۱. خداوند
۷۳	۲. برزخ ۱
۷۴	۳. بهشت
۷۵	۴. دوزخ
۷۶	۵. شیطان
۷۸	پی‌نوشت‌ها
۷۹	فصل هفتم: جهان و طبیعت
۸۴	۱. آب

۲. آتش ۸۴
۳. آسمان [و آفاق و افلاک] ۸۶
۴. آهو (غزال) ۸۸
۵. ابر و رگبار و باران ۸۹
۶. اسب ۹۱
۷. باد ۹۴
۸. برکه و مرداب (بانلاق) ۹۵
۹. بهار ۹۵
۱۰. پرندگان ۹۷
- الف. پرنده (مرغ) ۹۷
- ب. بَندِه ۹۸
- ج. بان (هندستان، عندلیب) ۹۸
- د. چکاوک ۹۹
- ه. چلچله ۹۹
- و. سیمِ مرغ (عنقا) ۹۹
- ز. طاووس ۱۰۰
- ح. عقاب - زاغ و زغن ۱۰۰
- ط. غراب (کلاغ) و تورنگ (خروس صحرایی) ۱۰۱
- ی. ققنوس ۱۰۱
- ک. کبک ۱۰۱
- ل. کبوتر ۱۰۲
- م. کلاغ و شاهین ۱۰۲
- ن. مرغ شباهنگ (مرغ شب خوان، مرغ حق) ۱۰۳
- س. سُما ۱۰۳
- ع. هویره ۱۰۳
۱۱. پلنگ ۱۰۳
۱۲. تقویم ۱۰۴
۱۳. توفان ۱۰۵
۱۴. چشمه ۱۰۷
۱۵. حشرات ۱۰۷
۱۶. خاک و زمین ۱۰۸
۱۷. خزان ۱۰۹
۱۸. خورشید ۱۱۱
۱۹. درختان ۱۱۵
۲۰. دریا ۱۱۹
۲۱. دنیا (روزگار، دهر، زمانه و ...) ۱۲۳

۱۲۶	۲۲. رنگ و تصویر
۱۳۱	۲۳. رنگین کمان
۱۳۱	۲۴. زمان و مکان
۱۳۱	الف. زمان و مکان [و لامکان و بی‌زمان]
۱۳۳	ب. غنیمت شمردن وقت و فرصت
۱۳۳	۲۵. زمستان
۱۳۵	۲۶. ستاره
۱۳۷	۲۷. سحر
۱۳۸	۲۸. شب
۱۴۰	۲۹. شوکران و شکر
۱۴۲	۳۰. صبح
۱۴۳	۳۱. غروب (شفق)
۱۴۴	۳۲. کویر
۱۴۵	۳۳. گرگ
۱۴۶	۳۴. گل و باغ
۱۵۲	۳۵. ماه
۱۵۳	۳۶. نسیم
۱۵۶	۳۷. نهنگ
۱۵۷	بی‌نوشت‌ها

فصل هشتم: انسان ۱۶۱

بخش یکم: انسان و اجتماع ۱۶۳

۱۶۷	۱. آوار
۱۶۸	۲. تبر و خنجر و دشنه
۱۶۹	۳. چراغ و ظلمت (شب)
۱۷۳	۴. خون و شتک
۱۷۵	۵. دار و اعدام
۱۷۶	۶. داغ و ماتم و زخم و رنج
۱۷۹	۷. سرب
۱۷۹	۸. شبیخون
۱۸۰	۹. شهید و شهادت
۱۸۰	۱۰. غربت
۱۸۲	۱۱. قتل (کُشتن)
۱۸۳	۱۲. کفن
۱۸۳	۱۳. لجن
۱۸۴	۱۴. وطن

پی نوشت ها: ۱۸۴

بخش دوم: انسان و متعلقاتش ۱۸۵

۱. آن ۱۸۵
۲. آینه ۱۸۶
۳. انسان ۱۹۰
۴. ذهن ۱۹۱
۵. سبو [و سنگ و شیشه] ۱۹۲
۶. سفر ۱۹۳
۷. سؤال و جواب ۱۹۶
۸. شراب و سی و نیون و تخدیر ۱۹۸
۹. شرع (اصلاحات دینی و مذهبی و شرعی) ۲۰۳
۱۰. طلسم و جادو (سحر) ۲۰۶
۱۱. عرفان و تصوف ۲۰۹
۱۲. قسمت و تقدیر ۲۱۱
۱۳. کلام ۲۱۵
۱۴. موسیقی ۲۱۶
۱۵. هنر ۲۲۰
- پی نوشت ها: ۲۲۳

بخش سوم: انسان و احوال عارض بر او ۲۲۴

۱. آرامش و بیقراری و پریشانی ۲۲۴
۲. آرزو (خواهش و هوی) ۲۲۵
۳. آزادی و اسارت ۲۲۶
۴. افسوس و حسرت ۲۲۸
۵. امید و نومیدی ۲۲۹
۶. انتظار ۲۳۰
۷. بغض و گریه ۲۳۲
۸. پاکی و زلالی ۲۳۴
۹. پرسه زدن (در به دری) ۲۳۵
۱۰. پیری و جوانی ۲۳۶
۱۱. تماشا ۲۳۷
۱۲. تنهایی و دلتنگی ۲۳۸
۱۳. جانبازی ۲۴۰
۱۴. جنون ۲۴۱
۱۵. خستگی و ملال و ویرانی ۲۴۳
۱۶. خواب و بیداری و رویا و کابوس ۲۴۵

۲۴۷	 خیال	۱۷
۲۴۸	 راز و ابهام؛ مه آلودگی و مغما	۱۸
۲۵۰	 سبکباری	۱۹
۲۵۰	 شکر و شکایت	۲۰
۲۵۱	 شک و یقین؛ [او باور]	۲۱
۲۵۳	 صبر	۲۲
۲۵۴	 عطش (تشنگی)	۲۳
۲۵۵	 غم و شادی	۲۴
۲۵۷	 مرگ و زندگی	۲۵
۲۵۹	 مهر و کین	۲۶
۲۶۰	 معرفت و دعا	۲۷
۲۶۱	 جی و بدی	۲۸
۲۶۱	 یاد و خاطره	۲۹
۲۶۴	 پی نوشت ها:	

فصل نهم: عشق و عاشقی ۲۶۵

۲۷۰	 ۱. عشق	
۲۸۳	 ۲. آغوش (و هماغوشی)	
۲۸۶	 ۳. آمدن معشوق	
۲۸۸	 ۴. برو دوش (شانه و پهلوی)	
۲۸۸	 ۵. بستر و بالین	
۲۹۰	 ۶. بو و عطر	
۲۹۱	 ۷. پری	
۲۹۳	 ۸. پیراهن	
۲۹۵	 ۹. تن	
۲۹۹	 ۱۰. جین (پیشانی)	
۲۹۹	 ۱۱. چشم [و ابرو]	
۳۰۵	 ۱۲. چهره	
۳۰۶	 ۱۳. خنده	
۳۰۷	 ۱۴. دام و بند	
۳۰۸	 ۱۵. دست	
۳۱۰	 ۱۶. دل	
۳۱۳	 ۱۷. دوست (یار و رفیق)	
۳۱۵	 ۱۸. دیدار	
۳۱۶	 ۱۹. زلف (گیسو)	
۳۲۰	 ۲۰. زن	
۳۲۵	 ۲۱. زیبایی	

۳۲۸.....	۲۲. سینه.....
۳۳۰.....	۲۳. شرم.....
۳۳۱.....	۲۴. صدا.....
۳۳۴.....	۲۵. عریانی.....
۳۳۵.....	۲۶. فراق و وصال.....
۳۳۷.....	۲۷. قد و قامت.....
۳۴۰.....	۲۹. لب و بوسه.....
۳۴۵.....	۳۰. ناز و کرشمه.....
۳۴۶.....	۳۱. نام.....
۳۵۰.....	۳۲. نگاه.....
۳۵۲.....	۳۳. وسوسه، کنایه.....
۳۵۵.....	بی نسبت‌ها.....
۳۵۷.....	کتابنامه.....

پیش‌گفتار

نیاز به پژوهش در آثار علمی و ادبی و ... امری است مسلم و انکارناپذیر، چرا که انسان‌ها همواره با بررسی و نقد دیدگاه‌های نیاکان و پدران خود، راه پیش‌رویشان را با چراغ به دست گرفته از خرد و تجربه ایشان، روشن‌تر دیده و به پیش رفته‌اند.

در ایران - این سرزمین پرشیب و فراز و همواره محل توجه - زبان و ادبیات از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. شاعران و نویسندگان در درازای تاریخ این سرزمین از طلایه داران و پیش‌تازان اجتماعی و فرهنگی بوده‌اند. ایدئوس و آلف درونی همیشگی مردم این خطه به هنر و به ویژه هنر شعر - که صدالبته دلایل این امر نیازمند پژوهش‌ها و بررسی‌های دقیق می‌باشند - اصلی‌ترین مسبب عنایت خاص پارسیان، به ادبیات و به خصوص شعر بوده است. از این روست که حتی امروزه شاهد آنیم که اگر قرار باشد ده نفر از مآثر ایران پس از اسلام نام برده شود، بی‌شک دست‌کم شش - هفت نفر از آن میان از اشعار بزرگ خواهند بود. در دوره حاضر نیز علیرغم پیشرفت‌های چشمگیری که در هنرهای مختلف، بسته به فناوری‌های نوین و تبلیغات زمینه ساز گسترش آن‌ها، حاصل گشته است؛ باز هم کمتر ایرانی می‌توان یافت که به هنگام یادآوری نام‌های افراد نامی این سده، اگر نه صرفاً به شاعران، به واسطه زبان و ادبیات فارسی اشاره نکند.

با این مقدمه کوتاه است که می‌خواهم آشکارتر شود اهل ادبیات نیز بر آن دارند و نه باید سر آن داشته باشند که تنها به قصد پرکردن زمان روزانه خود و یا برای تفریح و پیشه کردن یکی از امور رایج - و البته امروزه نه چندان پسندیده - به تورق آثار ادبی پرداخته و در ضمن مطالعه آن‌ها، مطالبی را یادداشت کرده و به هنگام مواجهه با دیگران دست‌آویزی - ولو سست - برای ابراز وجود داشته باشند. و یا کوشاترینانشان به گردآوری آرای گذشتگان پرداخته و با دسته بندی مطالب مختلف و تدوین آن‌ها و پس از طی کردن مراحل از پیش روشن شده، به نگارش رسالات و مقالات و گه‌گاه کتاب‌هایی دست زده و به ارضای خاطر خویش و همانندان خویش پردازند تا بتوانند بگویند که آری؛ ما هم بی‌کار و بی‌عاری نیستیم و مطالعات و تحصیلات ما نیز ثمربخش بوده و ماحصل رنج خویش را هویدا ساخته ایم! با این اوصاف است که می‌خواهم بگویم که من همواره به رویکرد خویش به زبان و ادبیات فارسی اندیشیده و پیوسته خواستار آن بوده‌ام تا دریابم

که هدف از خوانش و بررسی آثار به جای مانده چیست؟ چرا که بر این باورم که ادبیات و به ویژه شعر آیینی اگر نه سرتاپانمای، دستِ کم منعکس کنندهٔ بخش عظیمی از درون فردی و جمعی مردمان دوره‌های مختلف می باشد، لذا پژوهش‌های متکی بر انواع روش‌های کارآمد و نقدِ وابسته به شیوه‌های گوناگون روانشناسی، اجتماعی، تاریخی و ... امریست ضروری.

دیگر سخن آنکه اگر در اعصار گذشته مطالعهٔ اندیشه‌های هم‌عصران چندان واجب به نظر نمی‌آمد و می‌شد به خوانش آثار افرادِ نامی در گذشته اکتفا کرد؛ امروزه به دلیل شتاب بسیار جوامع بشری و نیز به سببِ احداثِ پیایی روش‌های گوناگون علمی و ادبی، و همچنین فراگیری دَم افزای تبلیغاتِ دارندگان سرمایه و مقام، و هم دلایلی دیگر؛ ما ناگزیر از مطالعهٔ دقیق آثار ارائه شده از سوی صاحبان خود می‌باشیم؛ چرا که باید هر چه زودتر دریافت تا بدین‌جا مسیر را چگونه پیموده، اکنون در چه موقعیتی قرار داریم. حال با این تفاسیر اگر هر چه زودتر به وجوب این امر و سایر امورِ مذکور پی برده و به جد و خستگی ناپذیرانه بر آن شدیم تا نه تنها از این بیش از قافلهٔ بشری پس نیفتاد و هر چه زودتر با برنامه‌ریزی دقیق و تلاشی شایان، در دفع نقایص موجود بکوشیم، می‌توان به آینده‌ای زیب روشن امیدوار بود، و گرنه تنها باید به فرو بلعیده شدن خود در گردابِ اوهام بسنده کنیم.

با اوصافی که گذشت برآنم تا بیان کنم، من به آثار بزرگانِ سلفِ این سرزمین همواره عشق ورزیده و به مطالعهٔ آن‌ها مشغول بوده‌ام. لیکن خواستم تا فرصت به دست آمده را غنیمت شمرده و به خوانش و بررسی دقیق یکی از آثارِ معاصرین بپردازم. اما از آنجا که از سالیان گذشته به مطالعهٔ آثار شاعران و نویسندگان این دوره نیز دردم به‌دم، دریافتم که اگر نه به صورت کافی، دستِ کم می‌توان مقالات و کتاب‌هایی را در راستای شناخت اندیشه‌ها و روش نوشتاری مشاهیری چون نیما، اخوان، شاملو، فرخزاد، سپهری و ... یافت. حتی دربارهٔ شاعریِ چون حقوقی، رؤیایی، احمدی، صالحی و همانندانِ ایشان هم آثاری به دست می‌آید. از شاعران حد واسطی چون سایه، شفیعی کدکنی، رحمانی و ... هم گفته و نوشته‌اند. از دو عالمِ مثلثِ مشهور غزلِ معاصر یعنی بهبهانی و بهمنی هم سخنانی به میان آمده و مطالبی یافت می‌شود. اما دربارهٔ منزوی به عنوان غزل‌سرای بزرگ و کامیاب در ادب معاصر بیش‌تر به پراکنده‌گویی‌هایی - آن هم اغلب از طرف غیر اهل فن - برخورد می‌کنیم. تنها کتابِ مستقّلی که دربارهٔ منزوی یافتیم، «سیب نقره ای ماه» نوشتهٔ روح الله کاظمی بود که البته باید اشاره کرد این اثر هم بیشتر به نوشته‌ای ذوقی و شاعرانه، مانند است تا به پژوهشی روشمند و دقیق. پس با توجه به مطالب یاد شده برآن شدم تا به فراخورِ توشِ خویش و با عنایت به آثار گران‌بهای پژوهشی، از منزوی‌ترین هنرمند معاصر یعنی حسین منزوی بنویسم. و از آنجا که از پیش با شعر او آشنایی داشتم می‌دانستم که وی شاعری‌ست که مطالب متنوعی را در غزل‌هایش مطرح کرده است. پس برای گزاردن حق

مطلب، کوشیدم تا همه‌ی "بن‌مایه‌های غزل" در شعرش را کاویده و از آن‌ها بنویسم. لیکن پس از آنکه بارها غزل‌هایش را بازخوانی کرده و از موضوعات و مضامین مختلف فیش گرد آوردم؛ سرانجام دریافتم که نشد حق مطلب را آن‌گونه که بایسته و در خور بود ادا کنم؛ چرا که می‌شد افزون بر مطالب ارائه شده در کتاب حاضر، از تلمیحات موجود و نیز از اسطوره‌های آن سخن گفت. برای نمونه باید گفت که این شاعر بارها از «حافظ» و «حلّاج» و «سیاوش» در غزل‌هایش یاد کرده است. و یا می‌شد از وزن‌های به خدمت گرفته شده از سوی وی، سخن گفت و بررسی کرد که آیا وی توانسته در استخدام اوزان مختلف توفیق یابد یا نه؟ و آیا بن‌مایه‌های موجود را در وزن مناسب ارائه کرده است؟ همچنین می‌شد گفت که این شاعر از متقدّمان و معاصران بیش‌تر به کدام‌یک ترجیح داشته است؟ و مواردی دیگر که می‌شد از همه‌ی آن‌ها نیز گفت اگر زمانی بیش از این در اختیار بود. رزق‌تار، های روزگار مجالی بیش از این می‌داد. لیکن با همه‌ی این تفاسیر، حسرت نمی‌خورم که چرا نشده‌ها انجام نپذیرفتند، بلکه امید دارم که شده‌های موجود، اگر نه به احسنِ حالات، دست‌کم نیز نه به زشتی - ارائه گشته باشند.

به هر روی از خداوند یکتا - بی‌سیاس دارم که یاری‌ام فرمود تا بخشی از عمر خود را مصروف امر تحقیق در شعر و ادب کنم. باشد که مورد رضای او و خشنودی بندگان راستین قرار گیرد. آمین یا ربّنا.